

## 219727 - حکم این سخن جهمی‌ها که: «الله از آغاز بدون مکان وجود داشت و الآن هم بر همان حالتی‌ست که از ازل بود»

### سوال

آیا عبارت «إن الله كان ولا مكان وهو على ما كان الان كان» صحیح و ثابت است؟ اگر این سخن امام مالک نیست پس سخن چه کسی‌ست؟ و آیا این سخن نزد اهل علم شرعی است؟ لطفاً مفصلاً توضیح دهید باریک الله فیکم؟

### پاسخ مفصل

#### الحمد لله.

بر اساس ادله قطعی از کتاب و سنت ثابت است که الله متعال بعد از آفرینش آسمان‌ها و زمین بر عرش استوا یافت و «استوا» به معنای علو گرفتن بر عرش است. بر همین اساس مذهب اهل سنت و جماعت این است که الله متعال ذاتاً فراتر از مخلوقات است و همچنین بر عرش خود علو یافته که در فتوای شماره (992) و (11035) به بیان این مهم پرداخته‌ایم. اما این سخن که «إن الله كان ولا مكان وهو الآن على ما عليه كان» (الله متعال از ازل بدون مکان وجود داشت و الآن هم بر همان حالتی‌ست که از ازل بود) سخنی باطل است که هیچ یک از امامان اهل سنت آن را بر زبان نیاورده‌اند نه امام مالک و نه غیر ایشان، بلکه چنین سخنی سخن متأخرین جهمیه است و سپس اشاعره و فرقی دیگر نیز این اعتقاد را از آنان گرفته‌اند و مقصود معتقدین به این سخن نفی علو ذاتی الله متعال بر مخلوقات و استوای ایشان بر عرش است.

برخی از جهال این سخن را به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نسبت داده‌اند در حالی که دروغ و کذبی بیش نیست.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می‌گوید: «از بزرگ‌ترین اصولی که وحدت وجودیان ملحدی که مدعی عرفان و حقیقت هستند بر آنند این است که این سخن را به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نسبت می‌دهند: «كان الله ولا شيء معه وهو الآن على ما عليه كان» (الله از ازل وجود داشت و چیزی همراه او نبود و الان بر همان حال است) در حالی که این قسمت: «وهو الآن على ما عليه كان» کذب و افترا بر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است و علمای اهل حدیث بر وضعی و دروغین بودن آن متفق القولند و حتی در هیچ یک از کتب حدیث کوچک و بزرگ، چنین سخنی وجود ندارد.

این گروه که به مسیر آخر جهمیه یعنی تعطیل و الحاد رسیده‌اند این سخن را از متکلمین متأخر جهمیه گرفته‌اند با این تفاوت که جهمیه می‌گویند: «كان الله ولا مكان ولا زمان وهو الآن على ما عليه كان» (الله از ازل وجود داشت و نه مکان و نه

زمانی وجود داشت و اکنون الله بر همان حالت قبل است) و این گروه می‌گویند: «كان الله ولا شيء معه وهو الآن على ما عليه كان.» (الله از ازل وجود داشت و چیزی همراه او نبود و الان بر همان حال است).

و اما نص حدیثی که امام بخاری از عمران بن حصین از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت فرموده این است: **كَانَ اللَّهُ وَلَمْ يَكُنْ شَيْءٌ قَبْلَهُ، وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ، وَكَتَبَ فِي الذِّكْرِ كُلِّ شَيْءٍ، ثُمَّ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ** (الله [از ازل] وجود داشت و چیزی قبل او وجود نداشت و عرش او بر آب بود و در ذکر (لوح المحفوظ) هر چیزی را نوشت و سپس آسمان‌ها و زمین را آفرید) اما این جمله الحادی «وهو الآن على ما عليه كان» را جهمیة اهل کلام برای نفی صفاتی که الله متعال خود را بدان توصیف نموده از جمله استوا بر عرش و نزول به آسمان دنیا و دیگر صفات، رواج دادند و می‌گویند: «از ازل الله متعال بر عرش نبود و الان هم به همان ترتیب بر عرش نیست زیرا اگر الان بر عرش باشد به این معناست که الله دچار تغییر و تحول شده است.» (مجموع الفتاوی: ۲/۲۷۲)

شیخ محمد خلیل هراس رحمه الله هم می‌گوید:

«نهایت سخنی که یاهو سرایان در این باب می‌گویند این است که: «إن الله تعالى كان ولا مكان ثم خلق المكان وهو الآن على ما كان قبل المكان» (الله متعال از ازل وجود داشت و مکانی وجود نداشت سپس مکان را آفرید و الله الآن بر همان حالت قبل از آفرینش مکان است).

مقصود این افراد نادان از «مکان» که می‌گویند الله از ازل بوده اما مکانی نبوده، چیست؟

آیا مقصودشان مکان‌هایی است که الان وجود دارند و داخل در این جهان است؟!

این مکان‌ها مخلوق هستند و ما هرگز نمی‌گوییم الله متعال داخل این مکان‌ها هستند زیرا هیچ مخلوقی نمی‌تواند الله متعال را محصور و یا احاطه کند و اگر مقصود آنان عدم و چیزی است که اصلاً وجود نداشته، در مورد این گفته نمی‌شود وجود نداشته و سپس آفریده شده زیرا که آفرینش به عدم تعلق نمی‌گیرد.

اما اگر طبق مفاهیم قرآن و سنت گفته شود الله متعال در مکانی است، چه امر محذور و امر ناپسندی در آن وجود دارد؟! بلکه حق این است که گفته شود «كان الله ولم يكن شيء قبله ثم خلق السموات والأرض في ستة أيام وكان عرشه على الماء ثم استوى على العرش» (الله از ازل بوده و چیزی قبل او وجود نداشته سپس آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و عرشش بر آب بود سپس بر عرش استوا یافت.) «ثم: سپس» در این جملات دال بر ترتیب زمانی است نه حرف عطف.» (شرح العقيدة الواسطية: ۱۴۱)

والله تعالى أعلم.